



Factor Structure and Gender Invariance of the Short Form of the Motivation for Solitude Scale in Iranian Youth¹

Ezatollah Ghadampour^{2*}, Masoud Jafari³, Erfan Bahrami⁴

(Received: 2025.11.04 - Accepted: 2026.11.18)

1- This article is derived from an independent research study

2- Professor, Educational Psychology, Lorestan University, Khorramabad, Iran.

*- Corresponding Author: ghadampour.e@lu.ac.ir

3- Ph. D. Candidate, Educational Psychology, Lorestan University, Khorramabad, Iran.

4- Ph. D. Candidate, Educational Psychology, Lorestan University, Khorramabad, Iran.

Abstract

Solitude is a multifaceted phenomenon that can have adaptive or maladaptive consequences depending on the type of motivation for being alone. The aim of the present study was to investigate the psychometric properties and gender invariance of the short version of the Motivation for solitude Scale in Iranian society. The research sample consisted of 350 male and female students of Qom universities who were selected by convenience sampling and completed the Persian version of the scale (MSS-SF), the Riff Psychological Well-Being Questionnaire (RSPWB), Satisfaction with Life (SWLS), Loneliness (UCLA), and Fear of Intimacy (FIS). The content validity of the scale was confirmed using the CVR and CVI indices. Exploratory factor analysis revealed the two-factor structure of the scale, and confirmatory factor analysis indicated a good fit of the model with the empirical data. Also, the results of multigroup factor analysis confirmed the gender invariance of the instrument at the form levels, factor loadings, and factor covariances. Cronbach's alpha coefficient for the self-determined and non-self-determined motivation subscales was 0.91 and 0.86, respectively. Convergent and divergent validity using correlation coefficients showed that self-determined motivation has a positive relationship with well-being and life satisfaction and a negative relationship with solitude and fear of intimacy. While non-self-determined motivation showed an inverse pattern. Overall, the findings indicate that the Persian version of the Motivation Scale for solitude (MSS-SF) had appropriate validity, reliability, and factor structure and can be used to measure the motivation for solitude in Iranian youth.

Keywords: Solitude motivation, psychometric properties, gender invariance, exploratory factor analysis, confirmatory factor analysis



ساختار عاملی و تغییرناپذیری جنسیتی فرم کوتاه مقیاس انگیزه برای تنهایی در جوانان ایرانی^۱

عزت‌اله قدم‌پور^{۲*}، مسعود جعفری^۳، عرفان بهرامی^۴
(دریافت: ۱۴۰۴/۰۸/۱۳ - پذیرش: ۱۴۰۴/۱۱/۱۸)

چکیده

تنهایی پدیده‌ای است چند وجهی که می‌تواند بسته به نوع انگیزه فرد برای تنها بودن پیامدهای سازگارانه یا ناسازگارانه داشته باشد. هدف پژوهش حاضر بررسی ویژگی‌های روان‌سنجی و تغییرناپذیری جنسیتی نسخه کوتاه مقیاس انگیزه برای تنهایی در جامعه ایرانی بود. نمونه پژوهش شامل ۳۵۰ دانشجوی دختر و پسر دانشگاه‌های قم بود که به روش نمونه‌گیری در دسترس انتخاب شدند و نسخه فارسی مقیاس (MSS-SF)، پرسشنامه بهزیستی روان‌شناختی ریف (RSPWB)، رضایت از زندگی (SWLS) احساس تنهایی (UCLA) و ترس از صمیمت (FIS) را تکمیل کردند. روایی محتوایی مقیاس با استفاده از شاخص‌های CVI و CVR تأیید شد. تحلیل عاملی اکتشافی ساختار دوعاملی مقیاس را آشکار ساخت و تحلیل عاملی تأییدی نیز حاکی از برازش مناسب مدل با داده‌های تجربی بود. همچنین نتایج تحلیل عاملی چند گروهی، تغییرناپذیری جنسیتی ابزار را در سطوح شکلی، بارهای عاملی و کوواریانس عامل‌ها را تأیید کرد. ضریب آلفای کرونباخ برای خرده مقیاس‌های انگیزه خودتعیین شده و غیر خودتعیین شده به ترتیب ۰/۹۱ و ۰/۸۶ به دست آمد. روایی همگرا و واگرا نیز با استفاده از ضرایب همبستگی نشان داد که انگیزه خودتعیین شده با بهزیستی و رضایت از زندگی رابطه مثبت و با احساس تنهایی و ترس از صمیمیت رابطه منفی دارد. در حالی که انگیزه غیرخود تعیین شده الگوی معکوسی را نشان داد. در مجموع یافته حاکی از آن است که نسخه فارسی مقیاس انگیزه تنهایی (MSS-SF) از اعتبار، پایایی و ساختار عاملی مناسبی برخوردار بود و برای سنجش انگیزه تنهایی جوانان ایرانی قابل استفاده است.

واژگان کلیدی: انگیزه تنهایی، ویژگی‌های روان‌سنجی، تغییرناپذیری جنسیتی، تحلیل عامل اکتشافی، تحلیل عامل تأییدی

۱- مقاله حاضر حاصل یک پژوهش مستقل همکاری مشترک نویسندگان است

۲- استاد تمام گروه روان‌شناسی، دانشگاه لرستان، خرم‌آباد، ایران

*- نویسنده مسئول: ghadampour.e@lu.ac.ir

۳- دانشجوی دکتری، روان‌شناسی تربیتی، دانشگاه لرستان، خرم‌آباد، ایران.

۴- دانشجوی دکتری، روان‌شناسی تربیتی، دانشگاه لرستان، خرم‌آباد، ایران.

مقدمه

دوره جوانی مرحله‌ای از زندگی است که با تغییرات چشم‌گیر در بسیاری از حوزه‌های رشدی، از جمله فرایندهای زیستی، شناختی و هیجانی، مشخص می‌شود. در این مرحله‌ی مهم از رشد، تجربه‌های تنهایی معانی و کارکردهای جدیدی برای جوانان پیدا می‌کند. از یک سو، زمانی را که جوانان به تنهایی می‌گذرانند، می‌تواند فرصت‌های ارزشمندی برای رشد خودمختاری و شکل‌گیری هویتی متمایز فراهم کند، که این موارد از وظایف اساسی در این مرحله‌ی خاص از زندگی هستند (کیسی^۱ و همکاران، ۲۰۱۹). همچنین، تنهایی در این سن می‌تواند راهبردی سالم برای کنار آمدن با فشارهای اجتماعی و چالش‌های طاقت‌فرسا، بازگشت به علایق شخصی، و تنظیم رفتارها باشد (ستی^۲ و همکاران، ۲۰۲۳). باید به این نکته اشاره کرد که تنهایی یا زمانی را که فرد به تنهایی سپری می‌کند، موقعیتی است که هرکسی در طول زندگی خود بارها تجربه می‌کند اما این موقعیت به تدریج و با افزایش سن به یک امر عادی و روزمره تبدیل می‌شود (بورگ و ویلایی^۳، ۲۰۲۱). براساس نظریه‌ی انتخاب اجتماعی هیجانی^۴ کارستنسن^۵ (۱۹۹۹) با افزایش سن و کوتاه شدن افق زمانی، افراد در چگونگی صرف وقت خود گزینشی‌تر عمل می‌کنند؛ به این معنی که از تعاملات اجتماعی منفی یا بی‌معنا اجتناب کرده و فقط بر تعداد کمی از روابط رضایت بخش و سازنده متمرکز می‌شوند. از سوی دیگر، اگر افراد زمان زیادی را در تنهایی بگذرانند یا اگر تنهایی به سازوکاری برای اجتناب از تعاملات اجتماعی غیرسازنده تبدیل شود، این موضوع می‌تواند به عنوان یک عامل در بروز مشکلات اجتماعی و فردی در نظر گرفته شود. بر اساس مدل نظری بامایستر و لیری^۶ (۱۹۹۹)، انسان‌ها دارای نیاز ذاتی به تعلق داشتن هستند، که آن‌ها را به سوی ایجاد و حفظ روابط بین فردی سوق می‌دهد. روابطی که به نوبه‌ی خود موجب تجربه‌ی هیجانات مثبت و بهزیستی می‌شوند. با این حال، زمانی که این نیاز به تعلق برآورده نشود، می‌تواند به پیامدهای منفی هیجانی مانند احساس اضطراب، افسردگی یا تنهایی منجر گردد. در زمینه‌ی روابط بین فردی اغلب پژوهشگران به اشتباه بین تنهایی^۷ و احساس تنهایی^۸ تفاوتی قائل نیستند و این در حالی است که هرکدام از این دو مفهوم تعریف خاص خود را داشته و بار معنایی ویژه‌ای را به همراه دارد. طبق تعاریف نظری؛ تنهایی به یک وضعیت عینی نسبت داده می‌شود که صرفاً تنها بودن (از نظر فیزیکی) شرط لازم برای تجربه‌ی آن نیست. در مقابل، احساس تنهایی یک تجربه‌ی ذهنی است که از تفاوت یا ناهماهنگی در کیفیت و کمیت روابط بین فردی ناشی می‌شود به نحوی که

1- Casey

2- Sette

3- Borg & Willoughby

4- Socioemotional selectivity theory

5- Carstensen

6- Baumeister & Leary

7- Solitude

8- Loneliness

احساس تنهایی می‌تواند هم در شرایط تنهایی و هم در موقعیت‌های دیگر رخ دهد (پپلاو و پلرمن^۱، ۱۹۸۲؛ مایس^۲ و همکران، ۲۰۱۵). این سوال که آیا تنهایی برای افراد مفید است یا مضر، در تحقیقات قبلی نتایج متناقضی به همراه داشته است. برخی از محققان معتقدند که تنهایی تجربه‌ای از حالت انزوا است که فاقد هرگونه ویژگی سازنده و سازگارانه می‌باشد (وانگ و همکاران^۳، ۲۰۱۳). در نتیجه، آنها تنهایی را با انزوای اجتماعی، طرد از سوی همسالان و مهارت‌های اجتماعی ضعیف مرتبط می‌دانند. از سوی دیگر برخی از پژوهشگران اواخر دوران نوجوانی را به عنوان یک مرحله‌ی مقدماتی از تحول شخصیت، اغلب به عنوان یک دوره‌ی رشدی مهم و منحصر به فرد برای تجربه‌ی تنهایی در نظر گرفته‌اند که در این دوره افراد تحت تأثیر عواملی مانند: استقلال از والدین، شکل‌دهی هویت و انجام مستقل وظایف تنهایی را برای خود برمی‌گزینند (نلسون و میل^۴، ۲۰۲۱). پس با توجه به چنین عواملی می‌توان تنهایی را به عنوان یک انتخاب سازگارانه در نظر گرفت که در این شرایط نوجوانان از تنهایی لذت برده و نگرش‌های مثبت‌تری به آن دارند (کاپلان، اویی و بلدوین^۵، ۲۰۱۹). بنابراین براساس ادبیات پژوهشی، تنهایی مفهومی است برای ارزیابی میزان و کیفیت ارتباط صمیمانه‌ی فرد با دیگران و همچنین انگیزه او برای این تنهایی، عاملی به شمار می‌آید که تعیین می‌کند آیا این تنهایی از نظر روانشناختی مفید است یا خطرناک (کومار^۶ و همکاران، ۲۰۲۳). مانند برسر این دوراهی که آیا تنهایی مقوله‌ای سازنده است یا امری مضر، می‌تواند ریشه در عوامل انگیزشی داشته باشد که در آن فرد به جای داشتن ارتباط صمیمانه با دیگران، تنهایی را برای خود انتخاب می‌کند. طبق نظریه‌ی خود-تعیین‌گری^۷، انگیزه و رفتارهای مرتبط با آن سهم قابل توجهی در رشد و توسعه‌ی فرد دارند (دسی و ریان^۸، ۱۹۸۵). طبق این نظریه رفتارهایی که توسط خود فرد و از روی ترجیحات شخصی برگزیده می‌شوند می‌توانند به ارضای نیازهای روانشناختی پایه مانند خودمختاری، شایستگی و ارتباط کمک کرده و روند درونی سازی انگیزش را تسهیل کند و از این طریق موجب ارتقای سطح سلامت روانی و بهزیستی شود (ریان و دسی، ۲۰۰۰). بنابراین دو رویکرد نسبت به تنهایی، یعنی انتخاب خود خواسته‌ی تنهایی و در مقابل احساس اجبار به تنها بودن، براساس نظریه‌ی خودتعیین‌گری قابلیت تفسیر پذیری دارد. آنچه که به عنوان انگیزش خودتعیین شده برای تنهایی شناخته می‌شود، مفهومی است که می‌توان مبنای آن را در نظریه‌ی خودتعیین‌گری دانست. بر این اساس تمایل به تنها بودن می‌تواند

1- Peplau & Perlman

2- Maes

3- Wang

4- Nelson & Millet

5- Coplan, Ooi & Bladwin

6- Kumar

7- Self-Determination Theory

8- Decy & ryan

درونی و بر محور انتخاب خود فرد صورت بگیرد(نگوین، وینشتین و ریان^۱، ۲۰۲۲). چاندو^۲ و همکاران(۲۰۲۰) عنوان می‌کند؛ آنجایی که تنهایی خودخواسته و براساس ترجیحات فرد انتخاب شود با رشد شخصی، حرفه‌ای و به طو کلی افزایش سلامت و رفاه در فرد مرتبط بوده و در مقابل اجبار به تحمل تنهایی با احساس تنهایی، افسردگی، اضطراب و حتی سو مصرف مواد و الکل همراه خواهد بود. نکته‌ی قابل تأمل در این است که طبق نظریه‌ی خود-تعیین‌گری، انگیزش خودتعیین شده الزاماً به این معنا نیست که فرد رفتاری را انجام دهد که مطابق با تمایلات لحظه‌ای او باشد. به عبارت دیگر زمانی که فرد رفتاری را ترجیح می‌دهد، ممکن است این ترجیح مبتنی بر علاقه یا ارزش شخصی فرد نباشد بلکه این تمایل، تنها گزینه‌ی او برای انتخاب باشد(آروانی‌تیس، کالیریس و کامینیوتیس^۳، ۲۰۱۹). بنابراین لازم است بین انگیزش خود تعین شده برای تنهایی و ترجیح تنهایی^۴ تمایز قائل شد. مفهوم ترجیح تنهایی اصطلاحی است که ریشه در رویکردهای اجتماعی و اجتناب اجتماعی دارد. بر اساس این دیدگاه، ترجیح تنهایی به نوعی انگیزه برای دوری از تعاملات اجتماعی گفته می‌شود که ممکن است در یک موقعیت خاص بین دو گزینه‌ی تنها بودن یا صمیمت با دیگران شکل گرفته باشد. معمولاً هدف از چنین ترجیحی، اجتناب از پیامدهای منفی یا ناخوش‌آیند در روابط اجتماعی است(اویی^۵ و همکاران، ۲۰۱۸). این نوع از تنهایی در مورد کودکان خردسال(چن^۶ و همکاران، ۲۰۲۴، سان، ژیاو و لی^۷، ۲۰۲۵) بخصوص نوجوانان(برونتی^۸ و همکاران، ۲۰۲۵) در پژوهش‌های مختلف گزارش شده است. در بزرگسالان نیز این ترجیح تنهایی با ویژگی‌های شخصیتی مانند تنهایی مزمن و همچنین با تجربه‌های طرد اجتماعی توأم بوده است(آبالون و سگل-کارپاس^۹، ۲۰۲۴). پژوهش‌هایی که تا کنون در زمینه ارتباط میان گرایش به تنهایی و سازگاری روانی-اجتماعی انجام شده نتایج متناقضی را ارائه داده‌اند. برخی از این مطالعات نشان داده‌اند که افراد به ویژه نوجوانانی که گرایش به تنهایی دارند، از سازگاری اجتماعی بالاتری برخوردارند(رن^{۱۰} و همکاران، ۲۰۲۰) و در مقابل برخی از پژوهش‌ها نشان داده‌اند که این گرایش می‌تواند با سازگاری کمتر همراه بوده و یا به طور کلی اثری نداشته باشد(مایس^{۱۱} و همکاران، ۲۰۱۶. تیپرز^{۱۲} و همکاران، ۲۰۱۴). به عقیده بسیاری از پژوهشگران پیشین تنهایی مفهوم پیچیده‌ای است که ابعاد چندگانه‌ای را در بر می‌گیرد. این

1- Nguyen, Weinstein & Ryan

2- Chandu

3- Arvanitis, Kalliris & Kaminiotis

4- Preference for solitude

5- Ooi

6- Chen

7- Sun, Xiao & Li

8- Brunetti

9- Ayalon & Segel-Karpas

10- Ren

11- Maes

12- Teppers

ابعاد شامل ابعاد عاطفی، شناختی و رفتاری می‌شود. برای مثال، لارسن^۱ (۱۹۹۰) پیشنهاد کرده است که وقتی افراد زمانی را به تنهایی می‌گذرانند، می‌توانند هم فرآیندهای روان‌شناختی درونی مانند احساسات و افکار را تجربه کنند و هم فعالیت‌های بیرونی را انجام دهند. همچنین وی معتقد است اگر تمایل به تنهایی به جزئی از الگوی رفتاری فرد تبدیل شود، اثر انسان‌گریزی^۲ را در پی خواهد داشت که در آن فرد در طول زمان نسبت به دیگران بی‌اعتماد شده و از بودن در جمع احساس نارضایتی و یا حتی بی‌زاری می‌کند (۱۹۹۷). ژو^۳ و همکاران (۲۰۲۳) چهار مؤلفه‌ی انگیزه، نگرش، رفتار و مدت‌زمان تنهایی را برای بررسی نیمرخ‌های انگیزه تنهایی در بین نوجوانان در نظر گرفتند. نتایج حاصل از تحلیل فرد محور منجر به تشکیل ۴ نیمرخ شد. این نتایج نشان داد نیمرخ تنهایی همراه با انگیزش منفی با ناسازگاری روانی همراه است. این گروه سطوح بالایی از احساس تنهایی و افسردگی و در مقابل سطوح پایین رضایت از زندگی و نیازهای روان‌شناختی پایه را تجربه کردند. نوجوانان این نیمرخ، بیشترین گریز از تنهایی و کمترین انگیزش خودتعیین‌شده برای تنهایی را نشان دادند.

مجموع این یافته‌ها، اهمیت اندازه‌گیری دقیق انگیزه تنهایی را به منظور بررسی و ارزیابی دقیقتر آن در ابعاد مختلف فردی و اجتماعی مورد تأکید قرار می‌دهند. در همین راستا برای نخستین بار نیکول^۴ (۲۰۰۵) برای تمایزگذاری بین انگیزه‌های درونی و بیرونی تنهایی، ابزاری را تحت عنوان مقیاس انگیزه تنهایی^۵ (MMS) مبتنی بر نظریه خودتعیین‌گری دسی و ربان تدوین کرد. این مقیاس شامل دو زیر مقیاس انگیزه تنهایی خودتعیین‌شده^۶ (SDS) که در بردارنده‌ی انگیزه‌های درونی مانند تمایل به تأمل، خلاقیت و خوداندیشی است و انگیزه تنهایی غیرخودتعیین‌شده^۷ (NSDS) بود که شامل دلایل بیرونی تنهایی مانند اضطراب اجتماعی، طرد شدن توسط همسالان یا نداشتن دوستان صمیمی است. به تعبیر دیگر تنهایی خودتعیین‌شده (SDS) اشاره به زمانی دارد که فرد با انگیزه نزدیکی و برقراری ارتباط با خود و ایجاد احساس آرامش و آزادی، تنهایی را انتخاب می‌کند. در مقابل تنهایی خودتعیین‌نشده (NSDS) ریشه در ناراحتی و احساسات منفی نسبت به حضور در جمع و یا برقراری ارتباط صمیمانه دارد و به همین دلیل فرد اجبارگونه و علاءرغم میل خود به سمت تنهایی سوق می‌یابد. این ابزار نقش بسیار مهمی در تمایزگذاری میان انگیزه‌ها و پیامدهای تنهایی ایفا کرد؛ به گونه‌ای که با استفاده از این مقیاس، بسته به انگیزه فرد برای انتخاب تنهایی، می‌توان بین پیامدهای سازگارانه و ناسازگارانه‌ی آن تمایز قائل شد. همچنین نتایج پژوهش‌های مختلف نشان داده است که می‌توان این دو نوع انگیزه تنهایی را به طور مستقل شناسایی و هر یک را به

1- Larson

2- Misanthropy Effect

3- Zhou

4- Nicol

5- Motivation for Solitude Scale

6- self-determined solitude

7- Non self-determined solitude

عنوان متغیری جداگانه برای پیش‌بینی پیامدهای مثبت یا منفی روانی ناشی از تنهایی در نظر گرفت. علارغم وجود ظرفیت بالای مقیاس انگیزه تنهایی (MMS) به عنوان یک ابزار مفید، اما پژوهش‌های روانشناختی اندکی به چشم می‌خورد که این مقیاس را برای ارزیابی انگیزه تنهایی در گروه‌های متفاوت مورد استفاده قرار داده باشند. توماس و آزمیتیا^۱ (۲۰۱۹) سه دلیل را به عنوان موانع استفاده‌ی گسترده از این مقیاس مطرح می‌کنند. اولین دلیل این است که مقیاس ساخته شده توسط نیکول (۲۰۰۵) بخشی از یک پایان‌نامه بوده بنابراین به صورت گسترده انتشار نیافته و دسترسی عمومی به آن دشوار است. دلیل دوم طول زیاد این مقیاس است. فرم اولیه مقیاس انگیزه تنهایی شامل ۵۶ گویه با طیف لیکرت ۷ درجه‌ای بوده که می‌تواند بار روانی و زمانی بر شرکت‌کنندگان ایجاد کرده و منجر به بالا رفتن خطای اندازه‌گیری شود. دلیل سوم نیز عدم بررسی ویژگی‌های روانسنجی این مقیاس در گروه‌های مختلف سنی و فرهنگی است. چرا که به عقیده بسیاری از روانشناسان در طول دوره‌های مختلف زندگی، فرد رویکردهای متفاوتی را نسبت به مقوله‌ی تنهایی خواهد داشت (وانگ^۲ و همکاران، ۲۰۱۳، دانکرت، گاوس و ونزیل،^۳ ۲۰۱۶، کومار^۴ و همکاران، ۲۰۲۳).

با توجه به دلایل ذکر شده و همچنین افزایش علاقه‌ی روزافزون پژوهش در حوزه‌ی انگیزه تنهایی در سال‌های اخیر، تلاش‌هایی در راستای رفع موانع استفاده از مقیاس انگیزه تنهایی صورت گرفته شده است. به عنوان مثال: توماس و آزمیتیا (۲۰۱۴) در پژوهش خود، برای نخستین بار با بهره‌گیری از مقیاس ۵۶ گویه‌ای نیکول (۲۰۰۵) اقدام به تدوین نسخه کوتاه شده‌ای از مقیاس انگیزه تنهایی با ۱۴ گویه نموده و بر روی نمونه‌ای از نوجوانان بین ۱۴ تا ۱۸ سال اجرا کردند. نتایج حاصل از انجام تحلیل عامل تأییدی وجود دو زیر مقیاس انگیزه تنهایی خودتعیین شده (SDS) و انگیزه تنهایی غیرخودتعیین (NSDS) شده را مورد تأیید قرار داد. همچنین شاخصه‌های برازش مدل نیز بیانگر برازش مناسب مدل نظری این مقیاس با مدل تجربی بود. در همین راستا دانکرت، گاس و ونزیل (۲۰۱۷) در پژوهش خود ویژگی‌های روانسنجی نسخه کوتاه انگیزه تنهایی را بر روی نمونه‌ای از نوجوانان مورد بررسی قرار دادند. نتایج این پژوهش ساختار ۲ عاملی نسخه کوتاه را مورد تأیید قرار داد. همچنین در این پژوهش به منظور بررسی روایی همگرا از مقیاس ترجیح تنهایی (pss)، مقیاس بهزیستی روانشناختی ریف^۵ (۱۹۸۹) و برای روایی واگرا از مقیاس احساس تنهایی دانشگاه کالیفرنیا (راسل، پپلو و فرگوسن^۶، ۱۹۷۸) استفاده شد. نتایج نشان داد که این ابزار از روایی همگرا و واگرای مناسبی برخوردار است. توماس و آزمیتیا (۲۰۱۹) در پژوهش دیگری مجدداً ویژگی‌های روانسنجی فرم کوتاه مقیاس انگیزه تنهایی را بر روی نمونه‌ای از دانشجویان مورد بررسی قرار دادند. نتایج

1- Thomas & Azmitia

2- Wang

3- Dankaert, Guse & vanZyl

4- Kummar

5- Rayff

6- Russell, Peplau & Ferguson

حاصل از تحلیل عاملی تأییدی ساختار دو عاملی شامل تنهایی خودتعیین شده (SDS) و تنهایی غیرخودتعیین شده (NSDS) را مورد تأیید قرار داد. همچنین نتایج بیانگر آن بود که این ابزار از پایایی مطلوبی برخوردار است. از سوی دیگر یافته‌ها نشان دادند که انگیزه تنهایی غیرخودتعیین شده با احساس تنهایی، اضطراب اجتماعی و علائم افسردگی رابطه مثبت دارد، در حالی که انگیزه خودتعیین شده (به‌ویژه در افراد بزرگسال) با بهزیستی روان‌شناختی رابطه مثبت دارد. همچنین هان^۱ و همکاران (۲۰۲۵) در پژوهشی که بر روی دانشجویان چینی انجام داد ویژگی‌های روانسنجی مقیاس کوتاه انگیزه تنهایی را مورد بررسی قرار داد. در این پژوهش نتایج تحلیل عاملی تأییدی ساختار دو عاملی این ابزار را که شامل تنهایی خود تعین شده (SDS) و تنهایی غیر خودتعیین شده (NSDS) بود را مورد تأیید قرار داد. این مقیاس از پایایی درونی، پایایی دونیمه‌ای و پایایی بازآزمایی بالایی برخوردار بود. همچنین نتایج نشان داد زیرمقیاس تنهایی خود تعین شده (SDS) با خودآگاهی و رضایت از زندگی رابطه مثبت و معنادار و با احساس تنهایی و افسردگی رابطه منفی دارد. در مقابل تنهایی خودتعیین نشده (NSDS) با اضطراب اجتماعی، افسردگی و احساس تنهایی رابطه مثبت و با رضایت از زندگی رابطه منفی داشت.

بر اساس آنچه که عنوان شد و همچنین بررسی پژوهش‌های مختلف، مقیاس انگیزه تنهایی (MSS-SF) در جوامع غربی، آفریقایی و همچنین جنوب شرق آسیا از ویژگی‌های روان‌سنجی مطلوبی برخوردار بوده و توانسته است بین انگیزش‌های خودتعیین شده و غیرخودتعیین شده برای تنهایی تمایز قائل شود. با این حال بررسی پیشینه‌ی پژوهش‌های انجام شده در داخل کشور نشان می‌دهد که تاکنون این مقیاس در جامعه‌ی ایرانی مورد اعتباریابی قرار نگرفته و استفاده نشده است. از آنجا که این ابزار در بافت فرهنگی غربی طراحی شده، و با توجه به تفاوت‌های فرهنگی و اجتماعی میان جوامع، لازم است قبل از به‌کارگیری آن در ایران، میزان کاربردپذیری، روایی و پایایی آن در این بافت فرهنگی مورد بررسی قرار گیرد. بنابراین، هدف پژوهش حاضر، بررسی ویژگی‌های روان‌سنجی مقیاس انگیزه تنهایی و تعیین تغییرناپذیری این مقیاس بر اساس جنسیت در جامعه‌ی ایرانی جهت فراهم آوردن ابزاری بومی‌سازی شده برای سنجش این سازه در نوجوانان و جوانان ایرانی بود.

روش پژوهش

پژوهش حاضر توصیفی از نوع همبستگی و جامعه‌ی آماری پژوهش شامل دانشجویان پسر و دختر در سال تحصیلی ۱۴۰۴-۱۴۰۵ بود. حجم نمونه بر اساس نظر کلاین^۲ (۲۰۱۸) به ازای هر گویه حداقل ۱۰ و حداکثر ۲۰ نفر در نظر گرفته شد. به همین منظور و با توجه به اینکه مقیاس حاضر شامل ۱۴ گویه بود، و با در نظر گرفتن حداکثر تعداد نمونه به ازای هر گویه بنابراین ۲۸۰ نفر به عنوان نمونه‌ی شرکت کننده در

1- Han
2- Kline

پژوهش در نظر گرفته شد. اما با در نظر گرفتن احتمال وجود داده‌های مخدوش و جلوگیری کاهش حجم نمونه همچنین افزایش توان آماری ۳۵۰ نفر انتخاب شد. نمونه‌ی شرکت کننده در این پژوهش از بین دانشجویان مشغول به تحصیل دانشگاه‌های قم به روش انتخاب نمونه‌ی در دسترس انجام شدند. ملاک ورود به پژوهش رضایت آگاهانه برای پاسخگویی به مقیاس بود.

ابزار

فرم کوتاه مقیاس انگیزه تنهایی^۱ (MSS-SF): فرم کوتاه مقیاس ۱۴ گویه‌ای انگیزه تنهایی برای نخستین بار توسط توماس و آزمتیا (۲۰۱۴) ساخته شد. مقیاس انگیزه تنهایی متشکل از دو خرده مقیاس انگیزه تنهایی خود تعیین شده (شامل ۸ گویه) و خرده مقیاس انگیزه تنهایی خودتعیین نشده (شامل ۶ گویه) بوده که انگیزه فرد برای انتخاب تنهایی را بر روی یک طیف ۵ درجه‌ای لیکرت (کاملاً موافقم=۵ تا کاملاً مخالفم=۱) اندازه‌گیری می‌کند. به دلیل اینکه این ابزار از دو خرده مقیاس متضاد با هم تشکیل شده است بنابراین لزوماً نمره‌ی کل هریک از خرده مقیاس‌ها به صورت جداگانه محاسبه می‌شود. این مقیاس توسط توماس و آزمتیا (۲۰۱۸) بر روی ۸۰۳ شرکت کننده متشکل از نوجوانان و بزرگسالان اجرا و مجدداً مورد بازبینی قرار گرفته شد. براساس یافته‌های به دست آمده، ساختار دو بعدی این مقیاس با استفاده از تحلیل عاملی تأییدی و براساس تفکیک دو گروه سنی نوجوانان و بزرگسالان مورد تأیید قرار گرفت. همچنین پایایی این ابزار با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ برای هریک از ابعاد تنهایی خود تعیین شده ۰/۸۱ و تنهایی خودتعیین نشده ۰/۸۸ گزارش شده است. در پژوهش هان و همکاران (۲۰۲۵) ساختار عاملی این ابزار در هر دو گروه سنی نوجوان و بزرگسال مورد بررسی قرار گرفت نتایج این پژوهش حاصل از تحلیل عامل اکتشافی بیانگر این بود که این مقیاس از دو بعد انگیزه تنهایی خودتعیین شده و انگیزه تنهایی خودتعیین نشده تشکیل شده است. همچنین نتایج تحلیل عامل تأییدی نشان داد که شاخصه‌های برازش در هر دو زیر گروه نوجوانان و بزرگسالان از وضعیت مطلوبی برخوردار هستند. برای بررسی پایایی این ابزار از دو روش پایایی درونی و پایایی بازآزمایی استفاده شد. مقادیر آلفای کرونباخ برای هریک از ابعاد انگیزه تنهایی خودتعیین شده و انگیزه تنهایی خود تعیین نشده به ترتیب ۰/۸۱ و ۰/۸۹ گزارش شد. از سوی دیگر، پایایی بازآزمایی با فاصله زمانی یک‌ساله بر روی ۳۷۹ نفر از دانشجویان سال اول دانشگاه که در نمونه اولیه نیز شرکت کرده بودند، صورت گرفت. نتایج حاصل از بازآزمایی به تربیت برای انگیزه تنهایی خودتعیین شده ۰/۴۸ و برای انگیزه تنهایی خودتعیین نشده ۰/۴۲ به دست آمد. این نتایج نشان داد که هر دو خرده‌مقیاس از پایایی زمانی مطلوبی برخوردار هستند.

پرسشنامه بهزیستی روانشناختی ریف^۱ (RSPWB): پرسشنامه بهزیستی روانشناختی برای نخستین بار توسط ریف (۱۹۸۸) طراحی و در سال ۲۰۰۲ مورد تجدید نظر قرار گرفته شد. فرم کوتاه این مقیاس شامل ۱۸ ماده برای سنجش ابعاد بهزیستی روانشناختی است؛ که ابعاد و سوالات مربوط با هر بعد به این شرح است؛ پذیرش خود (۵، ۲، ۱) ارتباط مثبت با دیگران (۱۶، ۱۳، ۶) خودمختاری (۱۸، ۱۷، ۱۵) تسلط بر محیط (۹، ۸، ۴) هدفمندی در زندگی (۱۰، ۷، ۳) و رشد شخصی (۱۴، ۱۲، ۱۱) که بر اساس طیف لیکرت ۷ درجه‌ای (۱ = کاملاً مخالفم تا ۷ = کاملاً موافقم) نمره گذاری شده است. همبستگی فرم کوتاه این مقیاس با مقیاس اصلی از ۰/۷۰ تا ۰/۸۹ در نوسان بوده است (ریف و سینگر، ۲۰۰۶). این مقیاس در خاندانی و همکاران (۱۴۰۱) در پژوهش خود ساختار عاملی این مقیاس را مورد بررسی و تأیید قرار دادند. همچنین ضریب پایایی این مقیاس براساس ضریب آلفای کرونباخ برای هریک از ابعاد پذیرش خود، ارتباط مثبت با دیگران، خودمختاری، تسلط بر محیط، هدفمندی در زندگی و رشد شخصی به ترتیب، ۰/۷۵، ۰/۷۲، ۰/۷۶، ۰/۵۲ و ۰/۷۳ و برای کل مقیاس ۰/۷۱ گزارش شده است. در پژوهش حاضر نیز میزان پایایی مقیاس با استفاده از روش آلفای کرونباخ ۰/۸۹ به دست آمد.

پرسشنامه رضایت از زندگی^۲ (SWLS): جهت اندازه گیری رضایت از زندگی از پرسش نامه رضایت از زندگی داینر^۳ و همکاران (۱۹۸۵) استفاده شد. این پرسشنامه شامل پنج گویه است که میزان رضایت از زندگی را براساس طیف لیکرت هفت درجه‌ای (۷ = کاملاً موافقم تا ۱ = کاملاً مخالفم) می‌سنجد. حداقل نمره‌ای که فرد می‌تواند در این پرسشنامه کسب کند ۵ و حداکثر آن ۳۵ است. نمره ۳۵ نشان دهنده‌ی رضایت کامل فرد از زندگی است. داینر و همکاران روایی این پرسش نامه را مطلوب و پایایی آن را از طریق آلفای کرونباخ برابر ۰/۸۷ گزارش نمودند. اسپچمیک و همکاران (۲۰۰۲) پایایی این مقیاس را از روش آلفای کرونباخ برای مردم آمریکا، آلمان، ژاپن، مکزیک و چین به ترتیب ۰/۷۶، ۰/۷۹، ۰/۸۲ و ۰/۸۳ گزارش کردند. بیانی و همکاران (۱۳۸۶) پایایی این مقیاس را با استفاده از روش آلفای کرونباخ ۰/۸۳ و با روش بازآزمایی ۰/۶۹ محاسبه کردند. همچنین روایی سازه این پرسش نامه را از طریق روایی همگرا با استفاده از فهرست شادکامی آکسفورد و فهرست افسردگی بک برآورد کردند. در پژوهش حاضر پایایی ابزار با استفاده از آلفای کرونباخ محاسبه و ۰/۸۱ به دست آمد.

مقیاس احساس تنهایی^۴ (UCLA): مقیاس احساس تنهایی توسط راسل، پیلا و کورتونا (۱۹۸۰) ساخته شد. این مقیاس شامل ۲۰ گویه بر اساس طیف لیکرت ۴ است که به صورت هرگز (۱)، به ندرت (۲)، گاهی (۳) و همیشه (۴) نمره گذاری می‌شود. این گویه ها شامل ۱۰ جمله مثبت و ۱۰ جمله منفی است

1- Scales of Psychological Well-being

2- Satisfaction with Life Scale

3- Diener

4- loneliness

که حاصل جمع نمرات مربوط به هر گویه نمره‌ی کل مربوط به احساس تنهایی را منعکس می‌کند. در این ابزار گویه‌های ۱، ۵، ۶، ۹، ۱۰، ۱۵، ۱۶، ۱۹ و ۲۰ به صورت معکوس امتیازدهی می‌شوند و دامنه نمرات آن حداقل ۲۰ و حداکثر ۸۰ با میانگین ۵۰ است. نمرات نزدیک به ۸۰ بیانگر شدت احساس تنهایی است. در پژوهش راسل، پیلوا و فرگوسن (۱۹۸۷) پایایی این مقیاس در نسخه تجدید نظر شده به روش باز آزمایی ۰/۷۸ گزارش شده است. حسینی و همکاران (۱۳۹۵) در پژوهش خود پایایی این ابزار را با استفاده از روش آلفای کرونباخ ۰/۷۵ گزارش کرده است. در پژوهش حاضر نیز مقدار آلفای کرونباخ ۰/۸۸ به دست آمد.

ترس از صمیمیت^۱ (FIS): برای ارزیابی ترس از صمیمیت از مقیاس دسکاتنر و ثلن^۲ (۱۹۹۱) استفاده شد. این مقیاس شامل ۳۵ گویه بود که بر روی یک طیف پنج درجه‌ای لیکرت از کاملاً موافقم (۵) تا کاملاً مخالفم (۱) نمره‌گذاری می‌شود. این مقیاس از دو بخش تشکیل شده است. ۳۰ گویه‌ی اول از فرد می‌خواهد تا با تصور اینکه در یک رابطه عاطفی عمیق قرار دارد به گویه‌ها پاسخ دهد. در قسمت دوم که شامل ۵ گویه است باید فرد بر حسب تجربیات خود از روابط گذشته پاسخ دهد. پایایی این مقیاس توسط مؤلفان آن با استفاده از روش آلفای کرونباخ ۰/۹۳ گزارش شده است (دسکاتنر و ثلن، ۱۹۹۱). در ایران نیز فلاح‌زاده و همکاران (۱۳۹۰) ویژگی‌های روان‌سنجی مقیاس ترس از صمیمیت را با تحلیل عاملی بررسی کردند و دو عامل را در بین ۳۵ سؤال آشکار ساختند. همچنین، همسانی درونی کل مقیاس را ۰/۸۳، عامل یک را ۰/۸۱ و عامل دو را ۰/۷۹ گزارش کردند. ضریب بازآزمایی کل مقیاس نیز پس از چهار هفته ۰/۹۲ و برای عامل‌های فرعی ۱ و ۲ به ترتیب ۰/۸۷ و ۰/۸۵ گزارش شد. در این مطالعه نیز پایایی این مقیاس با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ ۰/۷۶ به دست آمد.

روش اجرا

برای اعتباریابی این ابزار، ابتدا مقیاس انگیزه تنهایی توسط یک متخصص زبان انگلیسی به فارسی ترجمه شد. سپس توسط ۱۰ تن از مشاوران و متخصصین حوزه روان‌شناسی مورد بررسی قرار گرفت و از این طریق شاخص نسبت روایی محتوا^۳ (CVR) طبق روش لاوشه^۴ (۱۹۷۵) و شاخص روایی محتوا^۵ (CVI) براساس روش لاین (۱۹۸۶) محاسبه شد. در گام بعدی به منظور بررسی درک‌پذیری گویه‌ها، نسخه اولیه این مقیاس در اختیار ۱۰ نفر از دانشجویان مقطع کارشناسی و کارشناسی ارشد قرار داده شد و از طریق مصاحبه شناختی، بازخوردهایی پیرامون شفافیت و قابل فهم بودن هر گویه جمع‌آوری شد. در ادامه براساس

1- Fear of intimacy questionnaire

2- Descutner & Thelen

3- Content Validity Ratio

4- Lawshe

5- Content Validity Index

این بازخوردها اصلاحات جزئی در ساختار گویه‌ها انجام شد. سپس فرم نهایی مقیاس انگیزه تنهایی توسط فردی آشنا به زبان انگلیسی، مجدد بازترجمه شد تا از این طریق نسبت به عدم انحراف گویه‌ها از معنای اصلی خود اطمینان حاصل شود.

در مرحله اجرای نهایی، نسخه الکترونیکی پرسش‌نامه طراحی شد و با استفاده از شبکه‌های اجتماعی و بسترهای آنلاین، در اختیار گروه نمونه قرار گرفت. با توجه به شرایط اجرایی، از روش نمونه‌گیری در دسترس استفاده شد. ویژگی‌های جمعیت هدف شامل دانشجویان مشغول به تحصیل در مقاطع مختلف دانشگاهی با دامنه سنی ۱۸ تا ۳۵ سال بود. پس از گردآوری داده‌ها، جهت بررسی همسانی درونی و اعتبار مقیاس از طریق همبستگی بین گویه‌ها و همچنین همبستگی نمره هر گویه با نمره کل از ضریب آلفای کرونباخ استفاده شد. در مرحله‌ی بعد برای بررسی ساختار عاملی مقیاس تحلیل عاملی اکتشافی روش تحلیل مؤلفه‌های اصلی (PCA) روی داده‌ها انجام شد. سپس جهت تأیید ساختار عاملی و تغییر ناپذیری جنسیتی از تحلیل عامل تأییدی مرتبه اول و چندگروهی استفاده شد. لازم به ذکر است که با توجه به این‌که سازه‌ی انگیزه تنهایی براساس مبانی پژوهشی با بهزیستی ذهنی، رضایت از زندگی، ترس از صمیمیت و احساس تنهایی دارای همبستگی است بنابراین از مقیاس بهزیستی روانشناختی ریف^۲ (۱۹۹۵) و رضایت از زندگی داینر و همکاران (۱۹۸۵) برای ارزیابی روایی همگرا و از مقیاس احساس تنهایی راسل، پیلوا و کورتانو (۱۹۸۹) و ترس از صمیمیت دسکانتنر و ثلن^۳ (۱۹۹۱) برای بررسی روایی واگرا استفاده شد. تحلیل داده‌ها در بخش توصیفی (میانگین، انحراف معیار، کجی و کشیدگی)، تحلیل عامل اکتشافی، روایی واگرا و همگرا از نرم افزار SPSS-27 و جهت تحلیل عامل تأییدی ابزار از نرم افزار AMOS-24 استفاده شد.

یافته‌ها

بررسی ویژگی‌های جمعیت شناختی شرکت نشان داد، از مجموع ۳۵۰ شرکت کننده در پژوهش ۱۸۶ نفر (۵۳/۱۴ درصد) دختر و ۱۶۴ نفر (۴۶/۸۵ درصد) نیز پسر بوده‌اند. فراوانی این افراد بر حسب مقطع تحصیلی ۱۹۳ نفر (۵۵/۱۴) دانشجوی کارشناسی، ۱۴۱ نفر (۴۰/۲۸ درصد) دانشجوی کارشناسی ارشد و ۱۶ نفر (۴/۵۷ درصد) در مقطع دکتری مشغول به تحصیل بودند. همچنین از بین این تعداد ۲۰۹ نفر (۵۹/۷۱ درصد) مجرد، ۶۳ نفر (۱۸ درصد) متأهل و ۷۸ نفر (۲۲/۲۸ درصد) در ارتباط با یک فرد خاص بودند. میانگین سنی این افراد نیز ۲۲/۰۷ بود. میانگین، انحراف معیار و وضعیت توزیع نمرات شرکت کننده‌گان در ابعاد دوگانه انگیزه تنهایی به تفکیک جنسیت در جدول ۱ ارائه شده است.

1- Principle component analysis

2- Ryff

3- Descutner & Thelen

جدول ۱. میانگین و انحراف معیار ابعاد انگیزه تنهایی به تفکیک جنسیت

Table 1 Mean and Standard Deviation of solitude Motivation Dimensions by Gender				
جنسیت Sex	میانگین Mean	انحراف معیار SD	کجی Kurtosis	کشیدگی Kurtosis
پسر Male	33.05	3.89	-0.61	0.67
دختر Female	33.46	4.44	-0.72	0.37
پسر Male	16.35	5.83	0.64	0.41
دختر Female	15.46	4.62	0.48	0.51

براساس یافته‌های جدول ۱ میانگین انگیزه تنهایی خودتعیین شده (۳۳/۰۵= پسر، ۳۳/۴۶= دختر) و انگیزه تنهایی خودتعیین نشده (۱۶/۳۵= پسر، ۱۵/۶۶= دختر) در بین پسران و دختران دانشجو تقریباً در یک سطح قرار دارد. همچنین مقدار کجی و کشیدگی نیز در هر دو بعد و در دو گروه دختر و پسر در بازه‌ی ± 2 قرار دارد بنابراین می‌توان اطمینان پیدا کرد که داده‌ها تابعی از توزیع نرمال است.

در مرحله بعدی ابتدا به منظور اطمینان از ساختاری عاملی این مقیاس، تحلیل عامل اکتشافی انجام شد. در روند اجرای تحلیل عاملی اکتشافی، شاخص کفایت نمونه‌گیری (KMO) معادل (۰/۸۶) و آزمون بارتلت^۱ به عنوان پیش فرض‌های اساسی این نوع از تحلیل بیانگر آن بود که شرایط لازم برای انجام تحلیل عاملی برقرار است. براین اساس تحلیل مؤلفه‌های اصلی با چرخش متعامد واریماکس و با در نظر گرفتن بار عاملی بالاتر از ۰/۵ اجرا شد. در تحلیل مؤلفه‌های اصلی (PCA)، دو مؤلفه اول با مجموع ۶۸/۱۸ درصد از واریانس کل استخراج شدند که نشان‌دهنده بخش عمده‌ای از ساختار داده‌ها هست. همچنین تحلیل اولیه دو عامل با ارزش ویژه بالاتر از ۱ را به دست داد و نمودار اسکری نیز از این ساختار حمایت کرد. نتایج حاصل از تحلیل عامل اکتشافی و همچنین آلفای کرونباخ هر یک از گویه‌ها در جدول ۲ ارائه شده است.

1- Bartlett's test

جدول ۲. شاخص‌های توصیفی، ضریب پایایی و بارهای عاملی مقیاس انگیزه تنهایی

Table 2

Descriptive Indices, Reliability Coefficient, and Factor Loadings of the solitude Motivation Scale

گویه Item	نسبت روایی محتوا CVR	شاخص روایی محتوا CVI	میانگین Mean	انحراف استاندارد S.D	آلفای کرونباخ در صورت حذف Cronbach's Alpha if Item Deleted	بارهای عاملی پس از چرخش Factor loadings after rotation	انگیزه خودتعیین نشده Non self- determined solitude
1	0.75	1	4.01	1.15	0.87	0.77	
2	1	1	2.22	1.09	0.87	0.89	
3	1	0.90	4.26	0.99	0.86	0.90	
4	1	0.80	4.12	1.03	0.86	0.91	
5	1	1	3.05	0.66	0.87	0.89	
6	1	1	4.35	1.18	0.87	0.81	
7	0.75	0.80	3.64	1.29	0.87	0.87	
8	1	1	2.38	0.88	0.62	0.83	
9	1	1	4.51	1.39	0.71	0.67	
10	0.75	0.80	2.26	1.35	0.81	0.82	
11	1	1	3.38	1.36	0.89	0.76	
12	1	0.80	2.15	1.92	0.73	0.72	
13	1	1	4.09	1.63	0.82	0.73	
14	1	0.90	3.14	1.02	0.88	0.81	

بر اساس نتایج جدول ۲، در بررسی روایی محتوا با مشارکت ۱۰ داور، نسبت روایی محتوا (CVR) برای تمامی گویه‌ها بالاتر از حد بحرانی ۰/۶۲ بودند بنابراین از نظر ضرورت تأیید شدند. از نظر شاخص روایی محتوا (CVI) نیز تمام گویه‌ها دارای مقدار بین ۰/۸۰ تا ۱ بوده‌اند که نشان‌دهنده‌ی روایی محتوایی قابل قبول و کفایت مفهومی گویه‌ها است. همچنین مقدار شاخص نسبت روایی محتوا برای کل ابزار ۰/۹۴ و شاخص روایی محتوا ۰/۹۲ به دست آمد. گویه‌های مورد بررسی دارای میانگین‌هایی بین ۲/۱۵ تا ۴/۵۱ و انحراف معیارهایی در بازه ۰/۶۶ تا ۱/۳۹ هستند که نشان‌دهنده پراکندگی نسبتاً متوسط پاسخ‌هاست. مقدار آلفای کرونباخ در صورت حذف هر گویه نیز عمدتاً بالا و در محدوده ۰/۶۲ تا ۰/۸۹ قرار دارد که دلالت بر پایایی مناسب مقیاس دارد؛ تنها گویه ۸ با مقدار ۰/۶۲ اندکی ضعیف‌تر از سایر گویه‌ها ارزیابی می‌شود. همچنین ضریب آلفای کرونباخ برای هریک از ابعاد انگیزه تنهایی خود تعیین شده (SDS) ۰/۹۱ و انگیزه تنهایی خود غیرتعیین شده (NSDS) ۰/۸۶ برای کل مقیاس ۰/۹۴ به دست آمد. تحلیل بارهای عاملی پس از چرخش نیز دو عامل انگیزه خودتعیین شده (SDS) و «انگیزه خودتعیین نشده (NSDS) را نشان

می‌دهد. گویه‌های ۱ تا ۸ بارهای عاملی بالایی بر عامل اول (بین ۰/۷۷ تا ۰/۹۱) دارند که حاکی از همبستگی قوی آن‌ها با سازه انگیزه خودتعیین‌شده است، در حالی که گویه‌های ۹ تا ۱۴ بارهای عاملی قابل قبولی بر عامل دوم (بین ۰/۶۷ تا ۰/۸۲) نشان می‌دهند و در نتیجه با سازه انگیزه خودتعیین‌نشده هم‌راستا هستند. این یافته‌ها نشان‌دهنده ساختار عاملی روشن و پایایی قابل قبول ابزار اندازه‌گیری در سنجش ابعاد انگیزشی مورد مطالعه هستند. در قسمت دوم از پژوهش جهت تأیید ساختار عاملی مقیاس انگیزه تنهایی از تحلیل عاملی تأییدی با روش بیشینه درستمایی استفاده شد. به همین منظور شاخص‌های برازش مدل مورد بررسی قرار گرفتند. جدول ۳ نتایج مربوط به شاخص‌های برازش مدل مربوط به مدل کلی و تغییرناپذیری جنسیتی ارائه شده است.

جدول ۳. شاخص‌های برازش مدل‌های تحلیل عامل تأییدی و چند گروهی بین دختران و پسران

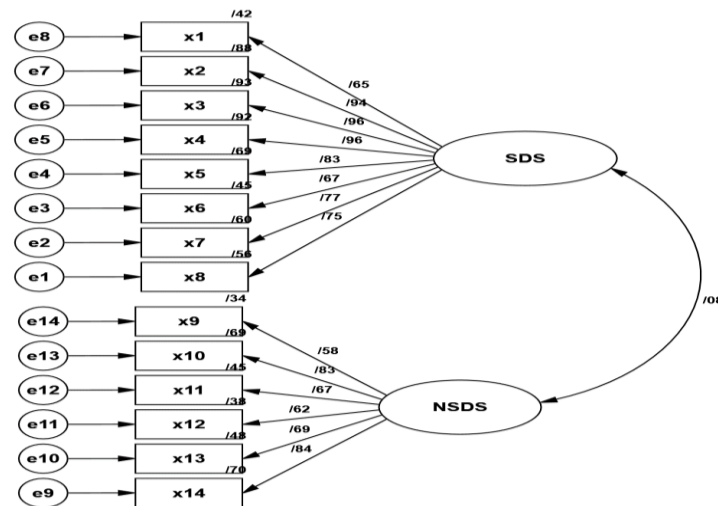
Table 3

Fit Indices of Confirmatory Factor Analysis and Multi-Group Models Across Girls and Boys

سطح معاداری p-Value	دلتای درجه آزادی Δdf	دلتای χ^2 $\Delta \chi^2$	شاخص تاکر لونیوز TLI	شاخص افزایشی IFI	شاخص تطبیقی CFI	ریشه میانگین مربعات خطای تقریبی RMSEA	χ^2/df آزادی	مدل Model
---	---	---	0.91	0.90	0.89	0.053	2.87	مدل کلی Corrected Model
---	---	---	0.93	0.95	0.94	0.049	2.57	دختر Female
---	---	---	0.90	0.92	0.91	0.051	2.89	پسر Male
---	---	---	0.91	0.93	0.91	0.050	1.21	مدل بدون محدودیت Model Unrestricted
0.08	22	43.37	0.92	0.93	0.92	0.048	1.39	محدودیت بارهای عاملی configural invariance
0.11	25	49.65	0.90	0.93	0.92	0.053	1.40	محدودیت واریانس کوارینانس عاملی structural covariance

همانطور که در جدول ۳ ارائه شده است، شاخص‌های برازش مدل کلی پژوهش حاکی از آن بود که مدل مفروض با داده‌های تجربی برازش داشته و از این طریق روایی سازه‌ی مقیاس انگیزه تنهایی تأیید شد ($TLI = 0/91$ ، $IFI = 0/90$ ، $CFI = 0/89$ ، $RMSEA = 0/053$ ، $\chi^2/df = 2/87$). در قسمت بعدی نیز شاخص‌های برازش مدل به تفکیک جنسیت نیز مورد بررسی قرار گرفت. نتایج حاصل نیز نشان داد شاخص‌های برازش مدل به تفکیک در دو جنسیت دختر ($TLI = 0/93$ ، $IFI = 0/95$ ، $CFI = 0/94$ ، $RMSEA = 0/049$ ، $\chi^2/df = 2/57$) و پسر ($TLI = 0/91$ ، $IFI = 0/92$ ، $CFI = 0/91$ ، $RMSEA = 0/051$ ، $\chi^2/df = 2/89$)

(TLI) از شرایط مناسبی برخوردار است. همچنین در این پژوهش به منظور بررسی تغییرناپذیری جنسیتی ابزار اندازه‌گیری، از تحلیل عاملی تأییدی چندگروهی^۱ در چهارچوب مدلیابی معادلات ساختاری استفاده شد. در گام نخست، و به عنوان نقطه آغاز مدل پایه^۲ با فرض آزاد بودن پارامترها در دو گروه زنان و مردان برازش شد. نتایج نشان داد که این مدل دارای برازش قابل قبول است ($\chi^2/df=1/21$ ، $RMSEA=0/05$ ، $CFI=0/91$ ، $IFI=0/93$ ، $TLI=0/91$)، که دلالت بر ساختار عاملی مشابه در دو گروه دارد و امکان ادامه آزمون سطوح بالاتر تغییرناپذیری را فراهم می‌کند. در گام دوم، مدل محدود از نظر بارهای عاملی برازش داده شد و تفاوت آن با مدل پایه از نظر آماری معنادار نبود ($\Delta X^2=43/37$ ، $\Delta df=22$ ، $p<0/08$). این یافته نشان می‌دهد که بارهای عاملی در دو گروه برابر هستند و درک پاسخ‌دهندگان از روابط بین آیتم‌ها و سازه‌ی نهفته یکسان است. در گام سوم، مدل محدود از نظر کوواریانس عامل‌ها^۳ نیز مورد بررسی قرار گرفت و تفاوت معناداری با مدل قبل نداشت ($\Delta X^2=49/65$ ، $\Delta df=25$ ، $p<0/11$). شاخص‌های برازش در این مراحل نیز در دامنه قابل قبول باقی ماند ($CFI=0/92$ ، $RMSEA$ بین $0/048$ تا $0/053$)، که نشانگر پایداری مدل در بین دو گروه جنسیتی است. بر این اساس می‌توان نتیجه گرفت که ابزار مورد بررسی از تغییرناپذیری جنسیتی در سطوح شکلی، بارهای عاملی و کوواریانس عامل‌ها برخوردار است. بنابراین، مقایسه نمرات بین زنان و مردان با استفاده از این ابزار از لحاظ روان‌سنجی معتبر بوده و فاقد سوگیری ساختاری است.



شکل ۱. بارهای عامل تأییدی مقیاس انگیزه تنهایی

Figure 1
Confirmatory Factor Loadings of the Loneliness Motivation Scale

- 1- Multi-group CFA
2- configural invariance
3- Structural covariance's

نتایج حاصل از همبستگی بین نمرات بهزیستی روانشناختی، رضایت از زندگی، احساس تنهایی و ترس از صمیمیت با هریک از ابعاد انگیزه تنهایی در جدول ۴ ارائه شده است. این ضرایب همبستگی به عنوان معیاری برای روایی همگرا و واگرا در نظر گرفته شد.

جدول ۴. بررسی روایی همگرا و واگرا

Table 4

Examination of Convergent and Discriminant Validity

متغیر Variable	1	2	3	4	5	6
1 انگیزه تنهایی خود تعیین شده self-determined solitude	1					
انگیزه تنهایی خود تعیین نشده Non self-determined solitude	0.052	1				
بهزیستی ذهنی Psychological Well-being	0.38**	-0.17*	1			
رضایت از زندگی Satisfaction With Life Scale	0.53**	-0.37**	0.74**	1		
احساس تنهایی loneliness	0.16*	0.27**	-0.17*	-0.04	1	
ترس از صمیمیت fear of intimacy questionnaire	-0.28**	0.41**	0.08	-0.14	0.11	1

همانطور که در جدول ۴ ارائه شده است، نتایج نشان داد که بین انگیزه تنهایی خودتعیین شده (SDS) و انگیزه تنهایی خود غیر خودتعیین شده (NSDS) ارتباط معناداری وجود ندارد ($r=0.052$, $p>0.01$). همچنین انگیزه تنهایی خودتعیین شده با بهزیستی ذهنی ($r=0.38$, $p<0.01$) و رضایت از زندگی ($r=0.53$, $p<0.01$) رابطه مثبت و معنادار، و با احساس تنهایی ($r=-0.17$, $p<0.01$) و ترس از صمیمیت رابطه منفی معنادار دارد ($r=-0.28$, $p<0.01$). در مقابل، انگیزه تنهایی غیر خودتعیین شده با بهزیستی ذهنی ($r=0.37$, $p<0.01$) و رضایت از زندگی ($r=-0.37$, $p<0.01$) رابطه منفی، و با احساس تنهایی ($r=0.16$, $p<0.01$) و ترس از صمیمیت ($r=0.41$, $p<0.01$) رابطه مثبت و معنادار نشان داد.

بحث و نتیجه گیری

تنهایی و انگیزه‌های وابسته به آن یکی از موقعیت‌های رایج بین افراد در دوره‌های مختلف زندگی به ویژه در دوران نوجوانی است. از این رو سنجش این سازه به عنوان یکی از ترجیحات فردی با استفاده از روش‌های معتبر حائز اهمیت فراوان است. بر این اساس هدف پژوهش حاضر بررسی ویژگی‌های روانسنجی نسخه فارسی فرم کوتاه مقیاس سنجش انگیزه تنهایی در بین جوانان بود. نتایج مربوط به پایایی هریک از

گویه‌ها و هر یک از ابعاد انگیزه تنهایی، همچنین کل مقیاس بر اساس ضریب آلفای کرونباخ در کل نمونه و هم در زیرگروه‌ها حاکی از همسانی درونی مطلوب این مقیاس بود. این قسمت از یافته‌ها بیانگر آن است که مقیاس انگیزه تنهایی از پایایی مناسبی در بین دانشجویان برخوردار است.

نتایج حاصل از تحلیل عامل اکتشافی در پژوهش حاضر نشان داد نسخه فارسی مقیاس انگیزه تنهایی همانند نسخه اصلی دارای دو بعد متفاوت می‌باشد که با توجه به مبانی نظری در پژوهش‌های قبلی و ماهیت گویه‌ها این ابعاد به عنوان انگیزه تنهایی خودتعیین شده (SDS) و انگیزه تنهایی غیرخودتعیین شده (NSDS) نام دارند. نتایج بررسی ساختار عاملی با تحلیل عاملی نیز حاکی از این بود که شاخص‌های برازش مدل در سطح مطلوبی قرار دارد و تمام بارهای عاملی نیز معنادار است. به طوری که هر کدام از گویه‌ها به خوبی می‌تواند انگیزه فرد برای تنهایی را منعکس کند. این یافته با نتایج پژوهش‌های توماس و آزیمیتیا (۲۰۱۴، ۲۰۱۹)، دانکرت و همکاران (۲۰۱۷)، هان و همکاران (۲۰۲۴) در زمینه بررسی ساختار عاملی این مقیاس همسو بود. بنا به عقیده‌ی توماس و آزیمیتیا (۲۰۱۹) در این مقیاس به جای ترکیب نمرات به دست آمده از هر گویه به عنوان نمره‌ی کل، هریک از گویه‌ها به صورت اختصاصی می‌توانند هر کدام از ابعاد این مقیاس را مورد سنجش قرار دهند. بر این اساس و همسو با مطالعه‌ی اصلی این نسخه از مقیاس انگیزه تنهایی فاقد نمره کل می‌باشد.

هدف دیگر این پژوهش بررسی تغییرناپذیری جنسیتی مقیاس انگیزه تنهایی بود. بدین منظور تحلیل عاملی تأییدی چندگروهی انجام شد. نتایج حاصل از سه بخش برازش مدل پایه و مقایسه پارامترهای مربوط به مدل محدود و مدل کواریانس عاملی با مدل پایه، تغییرناپذیری جنسیتی این مقیاس را مورد تأیید قرار دادند. نتایج به دست آمده از این بخش بیانگر آن است که تفسیر نمرات حاصل از این ابزار در هر یک از ابعاد آن تحت تأثیر تفاوت‌های جنسیتی قرار نخواهد گرفت. به عبارت دیگر هر دو جنس برداشت و فهم یکسانی از محتوای گویه‌ها داشته‌اند و این ویژگی بیانگر قابلیت کاربست گسترده ابزار در بین زنان و مردان است. بنابراین ویژگی تغییرناپذیری جنسیتی جنبه‌ای بسیار اساسی از اعتبار مقیاس انگیزه تنهایی را نشان می‌دهد. در پیشینه پژوهشی مطالعه‌ای که تغییرناپذیری ساختار عاملی را برحسب جنسیت مورد بررسی قرار داده باشد به دست نیامد. روایی همگرا و واگرایی مقیاس انگیزه تنهایی با دیگر متغیرهای مطالعه شده در این پژوهش از طریق همبستگی پیرسون مورد بررسی قرار گرفت. براساس نتایج به دست آمده رابطه بین انگیزه تنهایی خودتعیین شده (SDS) با انگیزه تنهایی غیر خودتعیین شده (NSDS) معنادار نبود. رابطه ضعیف بین دو سازه حاکی از این است که فرد فقط می‌تواند در یکی از این ابعاد قرار بگیرد. رابطه انگیزه تنهایی خودتعیین شده (SDS) با بهزیستی روانشناختی و رضایت از زندگی مثبت و معنادار و با احساس تنهایی و ترس از صمیمیت منفی و معنادار بود. این نتایج مؤید روایی همگرایی این بعد با متغیرهای بهزیستی روانشناختی و رضایت از زندگی و روایی واگرایی آن با متغیرهای احساس تنهایی

و ترس از صمیمت است. براساس این یافته می‌توان استنباط کرد؛ افرادی که تنهایی خودخواسته‌ای دارند احساس رضایت بیشتری نسبت به زندگی داشته و بهزیستی روانشناختی بالاتری را تجربه می‌کنند. بنابه عقیده توماس و آزمتیا (۲۰۲۲) سطوح بالای انگیزه خود تعیین شده (SDS) نوع خاصی از بهزیستی روانشناختی را تقویت می‌کند که نه فقط حول محور احساسات مثبت بلکه حول عمق روانشناختی یا آنچه که پژوهشگران زندگی روانشناختی غنی^۱ شده می‌نامند شکل می‌گیرد. به عبارت دیگر افراد با انگیزه خودتعیین شده (SDS) گرایش درونی بیشتری برای تنها بودن با افکار خود را دارند و همین شرایط به آنها کمک می‌کند تا از زندگی لذت بیشتری ببرند. از سوی دیگر انگیزه تنهایی غیرخودتعیین شده (NSDS) با بهزیستی روان شناختی و احساس رضایت از زندگی همبستگی منفی و معنادار و با احساس تنهایی و ترس از صمیمت رابطه منفی و معنادار را نشان داد. بنابراین نتیجه می‌توان چنین عنوان کرد که افرادی با انگیزه تنهایی غیرخودتعیین شده به احتمال زیاد تجربه‌ای منفی از تنهایی دارند، این تجربه به گونه‌ای است که تنهایی برای آنها احساسی از انزوا و طرد اجتماعی به همراه دارد که این احساس نه سازنده است و نه کارکرد انطباقی دارد. همواره باید به این نکته توجه داشت که اگر تنهایی ناشی اجبار عوامل بیرونی و فشارهای اجتماعی باشد با احتمال بالاتری افراد را در معرض مشکلات هیجانی مانند اضطراب و افسردگی قرار داده و به تبع آن بهزیستی روانی و میزان رضایت از زندگی را در فرد کاهش دهد. این قسمت از یافته‌ها نیز تایید کننده‌ی روایی و اگرایی این سازه نسبت به بهزیستی ذهنی و رضایت از زندگی به عنوان شاخص‌های سلامت روانی بوده و از روایی همگرایی آن نسبت به احساس تنهایی و ترس از صمیمت حمایت می‌کنند.

در مجموع و با توجه به نتایج به دست آمده به نظر می‌رسد که مقیاس انگیزه تنهایی ابزاری است که با ۱۴ عبارت و ساختاری دو عاملی، دارای اعتبار، روایی عاملی، روایی همگرا و واگرا و همبستگی تغییرناپذیری جنسیتی است. براساس یافته‌های حاصل از این پژوهش استفاده از این مقیاس در بین دو جنس زنان و مردانی که در دامنه‌ی سنی ۲۰ تا ۳۵ قرار دارند، از روایی و اعتبار مناسبی برخوردار است. با این وجود پژوهش حاضر نیز مانند بسیاری از پژوهش‌های حوزه روانسنجی با محدودیت‌هایی از قبیل اجرا در بافت فرهنگی و اجتماعی خاص مانند بافت دانشجویی، حجم نمونه کم و استفاده از ابزار خودگزارشی همراه بود بنابراین در تعمیم و تفسیر نتایج باید با احتیاط و در با نظر گرفتن بافت فرهنگی و جمعیتی عمل کرد. از آنجا که تعریف و رویکرد فرد در هر دوره‌ی زندگی به مقوله‌ی تنهایی متفاوت است بنابراین پیشنهاد می‌شود در پژوهش‌های آینده شاخص‌های روانسنجی مقیاس انگیزه تنهایی در گروه‌های سنی بزرگسالان و سالمندان مورد بررسی قرار گیرد.

1- Psychologically rich life

References:

منابع:

- بیانی، علی اصغر؛ کوچکی، عاشور محمد؛ و بیانی، علی (۱۳۸۷). روایی و پایایی مقیاس بهزیستی روان شناختی ریف. *مجله روان پزشکی و روان شناسی بالینی ایران*، سال چهاردهم، شماره ۲، ۱۵۱-۱۴۶.
- فلاح زاده، هانیه، فرزاد، ولی اله، و فلاح زاده، محمود. (۱۳۹۰). بررسی ویژگی های روان سنجی مقیاس ترس از صمیمیت (FIS). *پژوهش در سلامت روان شناختی*، ۱(۱)، ۷۰-۷۹.
- حسینی، امین، شاهقلیان، مهناز و عبدلهی، محمدحسین. (۱۳۹۵). بررسی رابطه سیستم های مغزی رفتاری و اعتیاد به اینترنت با نقش واسطه ای احساس تنهایی و راهبردهای نظم جویی شناختی هیجان. *شناخت اجتماعی*، ۵(۲)، ۵۱-۲۶.
- خانجانی، مهدی، شهیدی، شهریار، فتح آبادی، جلیل، مظاهری، محمدعلی، و شکری، امید (۱۳۹۳). ساختار عاملی و ویژگی های روان سنجی فرم کوتاه (۱۸ سؤال) مقیاس بهزیستی روان شناختی ریف در دانشجویان دختر و پسر. *رفتار و اندیشه در روان شناسی بالینی*، ۸(۳۲)، ۳۶-۲۷.
- Arvanitis, A., Kalliris, K., & Kaminiotis, K. (2020). Are defaults supportive of autonomy? An examination of nudges under the lens of Self-Determination Theory. *The Social Science Journal*, 59(2), 1-11. <https://doi.org/10.1016/j.soscij.2019.08.003>.
- Ayalon, L., & Segel-Karpas, D. (2024). A life course approach to social relations, loneliness, and positive solitude: Where should we go from here? *International Psychogeriatrics*, 36(8), 609-611. <https://doi.org/10.1017/s1041610224000851>
- Baumeister, R. F., & Leary, M. R. (2017). The Need to Belong: Desire for Interpersonal Attachments as a Fundamental Human Motivation. *Interpersonal Development*, 117(3), 57-89. <https://doi.org/10.4324/9781351153683-3>
- Borg, M. E., & Willoughby, T. (2021). A latent class examination of affinity for aloneness in late adolescence and emerging adulthood. *Social Development*, 31(3), 587-602. <https://doi.org/10.1111/sode.12564>
- Brunetti, M., Sette, S., Cheng, T., Fiorenzo Laghi, Longobardi, E., Pastorelli, C., Zuffianò, A., & Coplan, R. J. (2024). Solitary groups: A latent profile analysis of motivations for social withdrawal and experiences of solitude in late childhood and early adolescence. *Social Development*, 15(6). <https://doi.org/10.1111/sode.12742>
- Bayani, A. A., Koocheky, A. M., & Bayani, A. (2008). Reliability and Validity of Ryff's Psychological Well-being Scales. *Iranian Journal of Psychiatry and Clinical Psychology*, 14, 146-151. [in Persian]
- Carstensen, L. L., Isaacowitz, D. M., & Charles, S. T. (1999). Taking time seriously: A theory of socioemotional selectivity. *American Psychologist*, 54(3), 165-181. <https://doi.org/10.1037/0003-066x.54.3.165>
- Casey, B. J., Heller, A. S., Gee, D. G., & Cohen, A. O. (2019). Development of the emotional brain. *Neuroscience Letters*, 693(6), 29-34.

- <https://doi.org/10.1016/j.neulet.2017.11.055>
- Chandu, V., Pachava, S., Vadapalli, V., & Marella, Y. (2020). Development and Initial Validation of the COVID-19 Anxiety Scale. *Indian Journal of Public Health*, 64(6), 201. https://doi.org/10.4103/ijph.ijph_492_20
- Chen, X., Liu, J., Schmidt, L. A., & Ding, X. (2024). Editorial: Causes and consequences of solitude in children and adolescents. *Frontiers in Psychiatry*, 15(15). <https://doi.org/10.3389/fpsy.2024.1366539>
- Coplan, R. J., Ooi, L. L., & Baldwin, D. (2019). Does it matter when we want to Be alone? Exploring developmental timing effects in the implications of unsociability. *New Ideas in Psychology*, 53, 47–57. <https://doi.org/10.1016/j.newideapsych.2018.01.001>
- Deci, E. L., & Ryan, R. M. (1985). Conceptualizations of intrinsic motivation and self-determination. In: *Intrinsic motivation and self-determination in human behavior* (pp. 11-40). Springer, Boston, MA.
- Deci, E. L., & Ryan, R. M. (2000). Commentaries on "The 'What' and 'Why' of goal pursuits: Human needs and the self-determination of behavior". *Psychological Inquiry*, 11(4), 269-318.
- Dankaert, E. S., Guse, T., & van Zyl, C. J. (2017). Psychometric properties of the Motivation for Solitude Scale–Short Form in a sample of South African adolescents. *South African Journal of Psychology*, 49(1), 14–26. <https://doi.org/10.1177/0081246317744391>
- Descutner, C. J., & Thelen, M. H. (1991). Development and validation of a Fear-of-Intimacy Scale. *Psychological Assessment*, 3(2), 218–225. <https://doi.org/10.1037/1040-3590.3.2.218>
- Han, X., Ren, L., Mo, B., Liu, X., Pan, S., Sun, L., & Yuan, M. (2025). Psychometric properties of the Chinese version of the Motivation for Solitude Scale—Short Form (MSS-SF) for college students. *Current Psychology*, 44(5). <https://doi.org/10.1007/s12144-025-07398-7>
- Falahzadeh, H., Farzad, V., & Falahzadeh, M. (2011). [The investigation of psychometric properties of the Fear of Intimacy Scale (FIS)]. *Journal of Research in Psychological Health*, 1 (5), 70–79. [in Persian]
- Hopmeyer, A., Terino, B., Adamczyk, K., Corbitt Hall, D., DeCoste, K., & Troop-Gordon, W. (2020). The Lonely Collegiate: An Examination of the Reasons for Loneliness Among Emerging Adults in College in the Western United States and West-Central Poland. *Emerging Adulthood*, 10(1), 216769682096611. <https://doi.org/10.1177/2167696820966110>
- Hosseini, A., Shahgholian, M., & Abdollahi, M. (2016). The relationship between behavioral brain systems and Internet addiction: The mediating role of loneliness and cognitive emotion regulation strategies. *Social Cognition*, 5(2), 26–51 [in Persian]
- Khanjani, M., Shahidi, S., Fath-Abadi, J., Mazaheri, M. A., & Shokri, O. (2014). Factor structure and psychometric properties of the Ryff's scale of psychological

- well-being, short form (18-item), among male and female students. *Thought & Behavior in Clinical Psychology*, 8(32), 27–36. [in Persian]
- Kline, R. B. (2018). Response to Leslie Hayduk's Review of Principles and Practice of Structural Equation Modeling, 4th Edition. *Canadian Studies in Population*, 45(3-4), 188. <https://doi.org/10.25336/csp29418>
- Kumar, S., Kumar, R., Dixit, V., & Chaudhury, S. (2023). Motivation for solitude, COVID-19-related anxiety and resilience among Indian medical students. *Industrial Psychiatry Journal*, 32(2), 423–430. https://doi.org/10.4103/ipj_98_22
- Larson, R. W. (1990). The solitary side of life: An examination of the time people spend alone from childhood to old age. *Developmental Review*, 10(2), 155–183. [https://doi.org/10.1016/0273-2297\(90\)90008-r](https://doi.org/10.1016/0273-2297(90)90008-r)
- Larson, R. W. (1997). The Emergence of Solitude as a Constructive Domain of Experience in Early Adolescence. *Child Development*, 68(1), 80. <https://doi.org/10.2307/1131927>
- Lawshe, C. H. (1975). A QUANTITATIVE APPROACH TO CONTENT VALIDITY. *Personnel Psychology*, 28(4), 563–575. <https://doi.org/10.1111/j.1744-6570.1975.tb01393.x>
- Maes, M., Wang, J. M., Van den Noortgate, W., & Goossens, L. (2015). Loneliness and Attitudes Toward Being Alone in Belgian and Chinese Adolescents: Examining Measurement Invariance. *Journal of Child and Family Studies*, 25(5), 1408–1415. <https://doi.org/10.1007/s10826-015-0336-y>
- Nelson, L. J., & Millett, M. A. (2021). Social Withdrawal During Emerging Adulthood. *The Handbook of Solitude*, 146–162. <https://doi.org/10.1002/9781119576457.ch11>
- Nguyen, T., Weinstein, N., & Deci, E. (2022). Alone With Our Thoughts: Investigation of Autonomy Supportive Framing as a Driver of Enjoyment During Quiet Time in Solitude. *Collabra: Psychology*, 8(1). <https://doi.org/10.1525/collabra.31629>
- Nicol, C. C. (2005). Self-determined motivation for solitude and relationship: Scale development and validation (Doctoral dissertation). Available from ProQuest Dissertations and Theses database. (UMI No.3195333)
- Ooi, L. L., Baldwin, D., Coplan, R. J., & Rose-Krasnor, L. (2018). Young children's preference for solitary play: Implications for socio-emotional and school adjustment. *British Journal of Developmental Psychology*, 36(3), 501–507. <https://doi.org/10.1111/bjdp.12236>
- Ost Mor, S., Palgi, Y., & Segel-Karpas, D. (2020). The Definition and Categories of Positive Solitude: Older and Younger Adults' Perspectives on Spending Time by Themselves. *The International Journal of Aging and Human Development*, 93(4), 943–962. <https://doi.org/10.1177/0091415020957379>
- Peplau, L. A., & Perlman, D. (1982). *Loneliness: a sourcebook of current theory, research, and therapy*. Wiley.

- Ren, L., Han, X., Li, D., Hu, F., Mo, B., & Liu, J. (2020). The association between loneliness and depression among Chinese college students: Affinity for aloneness and gender as moderators. *European Journal of Developmental Psychology*, 18(3), 382–395. <https://doi.org/10.1080/17405629.2020.1789861>
- Russell, D., Peplau, L. A., & Ferguson, M. L. (1978). Developing a Measure of Loneliness. *Journal of Personality Assessment*, 42(3), 290–294. https://doi.org/10.1207/s15327752jpa4203_11
- Ryan, R., & Deci, E. (2000). *Self-determination theory and the facilitation of intrinsic motivation, social development, and well-being*. <https://psycnet.apa.org/record/2000-13324-007>
- Ryff, C. D. (1989). Happiness is everything, or is it? Explorations on the meaning of psychological well-being. *Journal of Personality and Social Psychology*, 57(6), 1069–1081. <https://doi.org/10.1037/0022-3514.57.6.1069>
- Sette, S., Pecora, G., Laghi, F., & Coplan, R. J. (2023). Motivations for Social Withdrawal, Mental Health, and Well-Being in Emerging Adulthood: A Person-Oriented Approach. *Behavioral Sciences*, 13(12), 977. <https://doi.org/10.3390/bs13120977>
- Sun, J., Xiao, B., & Li, Y. (2025). Longitudinal effects of negative emotionality on loneliness in early childhood considering solitude preference and sibling status. *Scientific Reports*, 15(1). <https://doi.org/10.1038/s41598-025-86684-7>
- Teppers, E., Luyckx, K., A. Klimstra, T., & Goossens, L. (2014). Loneliness and Facebook motives in adolescence: A longitudinal inquiry into directionality of effect. *Journal of Adolescence*, 37(5), 691–699. <https://doi.org/10.1016/j.adolescence.2013.11.003>
- Thomas, V., & Azmitia, M. (2019). Motivation matters: Development and validation of the Motivation for Solitude Scale – Short Form (MSS-SF). *Journal of Adolescence*, 70(1), 33–42. <https://doi.org/10.1016/j.adolescence.2018.11.004>
- Wang, J. M., Rubin, K. H., Laursen, B., Booth-LaForce, C., & Rose-Krasnor, L. (2013). Preference-for-Solitude and Adjustment Difficulties in Early and Late Adolescence. *Journal of Clinical Child & Adolescent Psychology*, 42(6), 834–842. <https://doi.org/10.1080/15374416.2013.794700>
- Zhou, T., Liao, L., Nguyen, T.-V. T., Li, D., & Liu, J. (2023). Solitude profiles and psychological adjustment in Chinese late adolescence: a person-centered research. *Frontiers in Psychiatry*, 14(22). <https://doi.org/10.3389/fpsyt.2023.1173441>

پیوست

گویه‌های مربوط به مقیاس انگیزه تنهایی

مؤلفه subscale	شماره	گویه Item	کاملاً مخالفم	مخالفم	نظری ندارم	موافقم	کاملاً موافقم
تنهایی خودتعیین شده self-determined solitude	۱	تنهایی خلاقیتم را برمی‌انگیزد					
	۲	از سکوت و آرامش لذت می‌برم					
	۳	تنهایی به من کمک می‌کند بهتر خودم را بشناسم و عمیق‌تر به خودم فکر کنم.					
	۴	در تنهایی و خلوت خودم راحت‌تر می‌توانم احساساتم را بشناسم و با آن‌ها ارتباط برقرار کنم					
	۵	خلوت و حریم شخصی را ارزشمند می‌دانم					
	۶	در تنهایی می‌توانم به فعالیت‌هایی بپردازم که واقعاً برایم جالب هستند					
	۷	تنهایی فرصتی به من می‌دهد تا دلایل رفتارهایم را بهتر درک کنم					
	۸	وقتی تنها هستم، از این تنهایی انرژی می‌گیرم					
تنهایی غیر خودتعیین شده Nonself-determined solitude	۹	وقتی با دیگران هستم، دچار اضطراب می‌شوم					
	۱۰	حتی وقتی با دیگرانم، باز هم احساس تنهایی می‌کنم؛ انگار هیچ‌کس واقعاً دوستم ندارد					
	۱۱	در حضور دیگران، احساس می‌کنم نمی‌توانم خود واقعی‌ام را نشان دهم					
	۱۲	وقتی در جمع هستم از کارهایی که انجام می‌دهم یا حرف‌هایی که می‌زنم پشیمان می‌شوم					
	۱۳	وقتی با دیگران هستم، احساس خوبی ندارم					
	۱۴	وقتی با دیگران هستم، احساس می‌کنم که به آن‌ها هیچ تعلق ندارم					